

بنیامین نتانیا‌هو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی

ورود ارا به ها به باتلاق



سید مهدی طالبی

پژوهشگر حوزه بین‌الملل

سازمان رادیو و تلویزیون رژیم صهیونیستی روز گذشته (یکشنبه ۴ خرداد ۱۴۰۴، ۲۵ می ۲۰۲۵) از اعزام تمام تیپ‌های رزمی و فعال ارتش این رژیم به نوار غزه خبر داد. این رسانه محور اصلی عملیات جدید را «شمال نوار غزه» و منطقه «خان یونس» اعلام کرده است؛ موضوعی که نشان می‌دهد بیشتر از هر چیز هدف صهیونیست‌ها، جداسازی بخش‌های مختلف نوار غزه به‌منظور اشغال بلندمدت این منطقه است. همزمان برخی گزارش‌ها نشان می‌دهد رژیم صهیونیستی تلاش دارد با ایجاد شرایط گرسنگی و قحطی در نوار غزه، اجازه ارائه کمک‌ها منحصرأ در جنوب را بدهد تا بتواند با این حربه، جمعیت منطقه را در جنوب متمرکز کند؛ اتفاقی که در دوره پیشین جنگ نیز به نوعی به‌اجرا درآمد. آنچه در برهه کنونی اهمیت دارد، تبعات بیشترین تمرکز نظامی صهیونیست‌ها بر غزه از ابتدای جنگ تاکنون است. علاوه بر استفاده حداکثری تل آویو از توان خود در غزه، اوضاع داخلی و خارجی رژیم بغرنج‌تر شده و همزمان گروه‌های مقاومت بدون تغییر در حال وارد آوردن تلفات به نظامیان صهیونیست‌هستند. بنیامین نتانیا‌هو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی هرچه‌زمان به‌پیش می‌رود در شرایط پیچیده‌تری قرار گرفته و دولت تحت کنترل خود را نیز به آن دچار می‌کند. تل آویو نام عملیات جدید را «ارابه‌های گیدعون» نام‌گذاری کرده اما اگر ارابه‌های این عملیات به گل نشسته و حداکثری‌ترین تهاجم رژیم نیز شکست بخورد، وضعیت به چه سمت و سویی خواهد رفت؟

■ **چه حجمی از یگان‌های ارتش رژیم وارد غزه شده‌اند؟**

نیروی زمینی ارتش رژیم صهیونیستی دارای ۱۰ تیپ فعال و ۲۱ تیپ ذخیره است؛ اعضای تیپ‌های فعال نظامیان رسمی و تمام‌وقت بوده‌و در تیپ‌های ذخیره سربازانی فعالیت می‌کنند که در حالت ذخیره قرار داشته و ضمن فعالیت در امور غیر نظامی در جامعه، در طول سال‌آیامی را به فعالیت‌های نظامی در ارتش می‌پردازند. از ۱۰ تیپ فعال رژیم، ۹ تیپ برای اجرای عملیات وارد غزه شده‌اند. نیروی زمینی رژیم دارای ۶ تیپ پیاده و ۴ تیپ زرهی است که تمام ۶ تیپ پیاده شامل گولانی، گفغاتی، ناحال، کفیر، چتر بان و نیروهای کم‌اندو به همراه ۳ تیپ زرهی شامل تیپ ۷، تیپ ۱۸۸ و تیپ ۴۰۱ وارد غزه شده‌اند. تنها تیپ از نیروهای فعال که به غزه نرفته، تیپ ۴۶۰ زرهی است. این تیپ هر چند یگانی از نیروهای فعال است، اما ماموریتش بر حوزه آموزشی متمرکز شده است. از این رو می‌توان گفت، بدون در نظر گرفتن تیپ آموزشی ۴۶۰ زرهی، تمام یگان‌های فعال رژیم در غزه متمرکز شده‌اند. علاوه بر تیپ‌های فعال، تعداد کمی از عناصر یگان‌های ذخیره نیز در عملیات مشارکت خواهند داشت.

■ **چرا سهم قابل توجهی**

به نیروهای ذخیره داده نشده است؟

در ابتدای جنگ غزه، نیروهای ذخیره در نبردهای غزه حضوری فعال داشتند اما سهم اصلی به تیپ‌های فعال تعلق داشت. با آغاز تنش‌ها در مرزهای شمالی تنها یک روز پس از عملیات ۷ اکتبر، یگان‌های ذخیره عمده مسئولیت تمرکز بر مرزهای شمالی را بر عهده گرفتند.

به مرور اما لزوم تمرکز نیروهای ذخیره بر مرزهای شمالی و کرانه باختری و همچنین دشواری نبردها در غزه، نیروی‌های فعال سهم بیشتری از جنگ غزه را در اختیار گرفته و به تدریج تمام جنگ در این منطقه را تشکیل دادند.

اگر در گذشته دو عامل «لِزوم اختصاصی نیرو به جبهه لبنان و کرانه باختری» و «دشواری نبرد در غزه» باعث خروج نسبی این یگان‌ها از غزه شد، اما در حال حاضر یکی از این عوامل حذف شده است.

در حال حاضر جبهه‌های لبنان و کرانه باختری آرام است، اما به نظر می‌رسد علاوه بر عامل «دشواری نبرد در غزه» که از گذشته باقی مانده است، عامل جدید «ناقرمانی نیروهای ذخیره» باعث شده تا آن‌ها از نبرد دورنگاه داشته شوند.

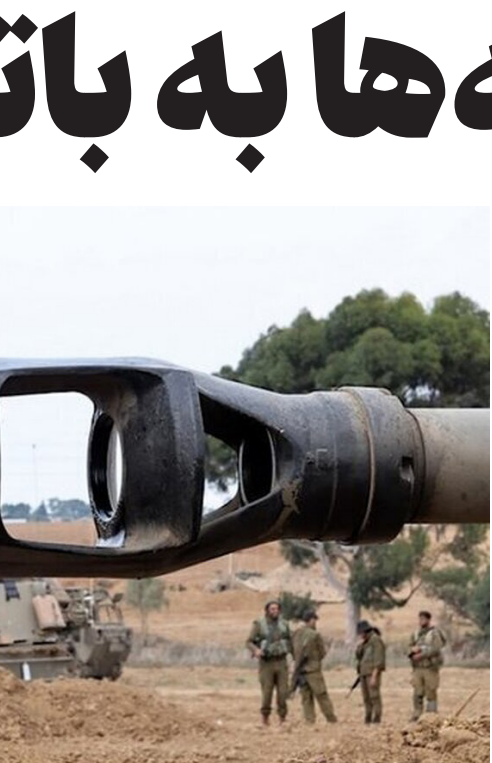
این ناقرمانی از دو جنبه بروز پیدا کرده است؛ خودداری از پیوستن به فراخوان جذب به یگان‌ها و دیگری خودداری از عمل به دستورات.

■ **استعداد نفراتی یگان‌های مستقر شده چقدر است؟**

تعداد سربازان هر تیپ در ارتش رژیم صهیونیستی بین ۲ تا ۵ هزار نفر است. با توجه به حضور ۹ تیپ اصلی و فعال در نبردها که شامل حداکثر نفرات و تجهیزات هستند، ارتش رژیم تنها با استقرار این یگان‌ها ۴۵ هزار نفر را وارد غزه کرده است. علاوه بر این تعداد، عناصری از یگان‌های ذخیره نیز به غزه وارد شده‌اند که آماری از تعداشان وجود ندارد. از این رو تخمین تعداد آن‌ها کاری دشوار است اما می‌تواند از جهاتی آن را بررسی کرد.

هر چند گفته شده در کنار یگان‌های فعال، تعداد کمی از نیروهای ذخیره نیز وارد غزه شده‌اند، اما مشخص نیست این تعداد با کدام قیاس «کم» توصیف شده است. در اینجا دو قیاس وجود دارد؛ «قیاس بیرونی» که طی آن نیروهای ذخیره مشارکت‌کننده

در مقایسه با نیروهای فعال مشارکت‌کننده، «کم» تلقی شده‌اند و یا در «قیاس



درونی» نیروهای ذخیره مشارکت‌کننده در مقایسه با تعداد کل نیروهای ذخیره، «کم» توصیف شده‌اند.

در قیاس بیرونی، ۴۵ هزار نیروی فعال در غزه مستقر شده باشد، تعداد نیروهای ذخیره باید در حد یک ناسه تیپ باشد؛ نیرویی که بین ۵ تا ۱۵ هزار نفر را شامل می‌شود. در قیاس درونی، تعداد سربازان ذخیره فراخوان شده بالا فاصله پس از ۷ اکتبر ۲۰۲۳، ۳۶۰ هزار نفر بود که تقریباً دو سوم این تعداد شامل ۲۲۰ هزار نفر به خدمت پیوستند.

حضور تعداد کمی از سربازان ذخیره در غزه با قیاسی درونی، احتمالاً باید شامل ۱۰ درصد این نیروها باشد که عددی تقریباً ۲۰ هزار نفری را نشان می‌دهد.

اعداد قیاس درونی و بیرونی تقریباً مشابه یکدیگرند. با این حال شاخص دیگری نیز برای تخمین نفرات وجود دارد. محیط کوچک نبردها در فلسطین اشغالی و نواحی پیرامونی آن باعث شده تا در هر نبرد، توان مقدار مشخصی از نیروها را به کار گرفت. به عنوان نمونه، طی جنگ ۳۳ روزه سال ۲۰۰۶ تعداد سربازان ارتش رژیم ۱۰ هزار نفر بود که با ادامه جنگ و پیچیدتر شدن آن تعداد نفرات به ۳۰ هزار نفر افزایش پیدا کرد، اما به سرعت این نتیجه به دست آمد که رشد نیروها باعث بالا رفتن تلفات شده است. در نبرد علیه غزه نیز نیروهایی که برای جنگ به داخل این منطقه رفتند، در عمده مواقع ۳۰ هزار نفر بوده است. در نبرد بزرگ دو ماهه سال ۲۰۲۴ علیه لبنان نیز با توجه به گسترده‌گی نبردها، رژیم ۲۰ هزار نفر را به شمال برد که تمام آن‌ها نیز برای نبرد به کار نیامدند.

این مسئله نشان می‌دهد، تعداد سربازان به کار گرفته شده در جبهه‌های جنگ غزه ۳۰ هزار نفر و در جنگ با لبنان ۷۰ هزار نفر بوده‌اند.

در حال حاضر اما ارتش رژیم ۴۵ هزار نیروی فعال را به غزه برده است و به نظر می‌رسد جبهه نبرد در این منطقه، نباید گنجایشی بیشتر از ۶۰ هزار نفر را داشته باشد. از این رو از نظر گنجایش نیز ارتش رژیم در شرایط حداکثری قادر به اعزام ۱۵ هزار نیرو علاوه بر نیروهای فعال به غزه است؛ این تعداد معادل ۳ تیپ نیرو است.

■ **چرا صهیونیست‌هایی سابقه‌ترین حجم نیرو**

از ابتدای جنگ را اعزام کرده‌اند؟

تمرکز بیشترین حجم از نیروها از ابتدای جنگ تاکنون در غزه دلایلی دارد که در این بخش مورد بررسی قرار گرفته‌اند:

۱ **آرامش در دیگر جبهه‌ها**

۱ با آغاز جنگ، جبهه‌های لبنان، کرانه باختری و سوریه نیز در معرض فعال شدن قرار گرفتند. جبهه لبنان و کرانه باختری نیمه‌فعال شده و جبهه سوریه نیز در معرض خطر بود اما پس از مدتی دولت سوریه تصمیم گرفت جبهه جولان را آرام کند. با تأشس در لبنان، تخریب شبکه مقاومت در کرانه باختری و سقوط سوریه، هر سه جبهه آرام شدند. از این رو صهیونیست‌ها امکان بیشتری برای تمرکز نیرو بر غزه یافته‌اند.

۲ **فرصت کم برای پیروزی**

صهیونیست‌ها فرصت زیادی برای پیروزی در غزه ندارند زیرا ادامه یافتن جنگ دشواری‌های آن‌ها را به مراحل غیر قابل بازگشتی می‌رساند. از این رو آن‌ها با رساندن استقرار نظامی خود در غزه به اوج، قصد دارند شانس خود را برای پیروزی امتحان کنند.

نتانیا‌هو بر همین اساس است که چندی قبل ادعا کرد جو بایدن، رئیس جمهور پیشین آمریکا اجازه پیروزی در غزه را به رژیم صهیونیستی نداد؛ منظور نخست‌وزیر رژیم از این ادعا، فشارهای بایدن برای عدم ورود به شهر رفح و همچنین تأخیر در ارسال برخی از محموله‌های تسلیحاتی به سرزمین‌های اشغالی است.

حالا به‌زعم سران تل آویو آن‌ها فرصتی برای حمله حداکثری یافته و در پی امتحان شانس خود در وضعیتی بهتر قرار دارند.

■ **دولت عمیق چیست؟**

دولت عمیق (Deep State) اصطلاحی است در اشاره به یک دولت پنهانی که در موازی دولت انتخابی وجود دارد. این دولت پنهان، بالفعل اما مخفی است که با استفاده از امکانات دولتی با هویتی مجهول در تشکیلات رسمی کشور فعالیت می‌کند. فعالیت این نهاد سساز مان یافته و هدف آن کسب منافع شخصی و نهادی است و در راستای مقاصدی غیر از منافع ملی حرکت می‌کند.

این نهاد پنهانی دارای قدرت اقتصادی و نظامی قابل توجه است و مستقل از ساختار سیاسی حکومت واقعی کشور فعالیت می‌کند و برای ادامه فعالیت خود نیاز به پشتیبانی حکومت ندارد. ایده وجود دولت عمیق در ایالات متحده تازه نیست، دولت‌مداران در این کشور از دهه ۱۹۵۰ باور دارند که دولت عمیق در این کشور حضور دارد و فعالیت می‌کند. اما حضور این اصطلاح در فرهنگ سیاسی آمریکابعد از قرن ۲۱ پررنگ‌تر شد. در دوران ریاست جمهوری، باراک اوباما هم دموکرات‌ها این عقیده را داشتند که دولت عمیق مانع از اجرای سیاست‌های دولت می‌شود. اما ایده حضور پررنگ این نهاد مخفی در ساختار سیاسی پس از انتخابات ۲۰۱۶ و راه یافتن ترامپ به کاخ سفید بیش از پیش اهمیت یافت.

ترامپ در دوره او ریاست جمهوری (۲۰۱۶) خود برای مبارزه با این نهاد مخفی گام‌هایی را برداشت اما به دلیل برنده شدن جو بایدن رئیس‌جمهور پیشین برنامه‌های او ناتمام ماند تا اینکه در انتخابات سال ۲۰۲۴ برنده شد. رئیس‌جمهور پس از بازگشت به قدرت شروع به مبارزه با دولت عمیق کرد.

■ **تنش‌های ترامپ و دولت عمیق**

تنش‌ها میان ترامپ و دولت پنهان فقط مربوط به این دولت نیست؛ بلکه

بنیامین نتانیا‌هو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی



۳ **افزایش تعداد «محورهای جداساز»**

صهیونیست‌ها در دوره قبلی و پیش از دومین دور آتش‌ش، غزه را به دو نیم تقسیم کرده بودند. با این حال آن‌ها علاوه بر کردنیوری که غزه را به دو نیم تقسیم می‌کرد، با اشغال محور فیلادلفیا مساس بر مرز با اردن، مرز غزه با این منطقه را نیز با هدف «جداسازی» اشغال کردند. پیش از آتش‌س تعداد محورهای جداساز به ۲ مورد می‌رسید. در دوره جدید غزه قرار است از نظر جغرافیایی به جای دو قسمت، به سه قسمت تقسیم شود. همین تقسیم، دست‌کم به یک محور اشغالی بیشتر نسبت به دوره قبلی نیاز دارد. همچنین محورهای جدیدی به عنوان منطقه حائل ایجاد خواهند شد.

دو تا سه برابر کردن محورهای جداساز نیازمند تعداد نیروی بیشتری نسبت به ۳۰ هزار نیرو و در دوره قبلی است.

■ **اهداف حملهٔ جدید**

صهیونیست‌ها از ابتدای نبرد اهدافی داشته‌اند که قرار است در دوره جدید، با قدرت پیگیری شوند:

۱ **اعمال پراکندگی سکونتگاه‌ها همانند کرانه باختری**

کرانه باختری وسعت و جمعیت بیشتری نسبت به غزه دارد، اما از نظر جمعیتی پراکنده است. همین مسئله باعث شده تا صهیونیست‌ها با ایجاد شهرک‌های صهیونیست‌نشین و ایست و بازرسی‌های مختلف، مناطق مختلف کرانه باختری را از یکدیگر جدا کرده و بهتر تحت نظارت قرار دهند.

تلاش برای دو یاسه تیکه کردن نوار غزه، جلوگیری از حضور افراد وابسته به مقاومت در نواحی شمالی و گسترش از تراکم جمعیتی در آن، نشانه‌ای از حرکت به سمت تقلید از وضعیت کرانه باختری است.

۲ **ایجاد تمرکز جمعیتی در جنوب با هدف اخراج**

یا احیای بازدارندگی

صهیونیست‌ها بر این عقیده‌اند که اخراج ساکنان غزه به خارج از فلسطین اشغالی دو مرحله‌ای است؛ در مرحله اول ساکنان شمال و مرکز به سمت جنوب سوق داده شده و سپس با حملات شدید به جنوب، آن‌ها راهی جز خروج به سمت مصر نخواهند داشت.

به‌زعم تل آویو حتی اگر در دوره کنونی این هدف محقق نشود، به دلیل فراهم آوردن چنین شرایطی، حماس تا مدت‌ها از ترس حمله به جنوب و آواره شدن ساکنان غزه از تکرار عملیاتی مشابه ۷ خردادری خواهد کرد.

۳ **اشغال بلندمدت**

اگر صهیونیست‌ها بتوانند محورهای مورد نظر خود را در غزه ایجادو به شکل ایمنی تثبیت کنند، اشغال بلندمدت غزه قابل تصور است. ایجاد محورهای جداساز با هدف سوق دادن وضعیت از تراتبی سکونت‌گاه‌های غزه به سمت مدل کرانه باختری، می‌تواند بهانه‌ای برای اشغال بلندمدت ایجاد کند.

■ **تبعات عملیات جدید**

عملیات ارابه‌های گیدعون در صورت شکست، تبعاتی برای نتانیا‌هو ورژیم دارد که در ذیل مورد اشاره قرار گرفته‌اند:

۱ **روند جنگ در غزه نشان‌ده است عملیات جدید با مقاومت فلسطینی‌ها**
منجر به ادامه یافتن تلفات نظامی صهیونیست‌ها خواهد شد؛ موضوعی که می‌تواند در ارتش ایجاد ناقرمانی و در جبهه داخلی باعث افزایش اعتراضات شود. همچنین افزایش تلفات غیرنظامیان، اوضاع خارجی تل آویو را بغرنج‌تر خواهد کرد. اگر رژیم صهیونیستی با اختصاص تمام‌توان خود در غزه شکست بخورد، بیشتر از گذشته با تضعیف بازدارندگی‌اش مواجه می‌شود.

۷ اگر اکتبر با تضعیف بازدارندگی رژیم، تل آویو را وارد نبرد چند عرصه‌ای کرد، تضعیف مجدد در آن عملیات ارابه‌های گیدعون، باعث بازگشت حملات چند

عرصه‌ای خواهد شد.

۳ **پیش از عملیات جدید، نتانیا‌هو برای تداوم جنگ بهانه‌هایی مانند عدم حمایت کامل بایدن و همچنین فعال بودن جبهه‌های لبنان و کرانه باختری را داشت، اما اگر در فصل جدید آغاز شده شکست بخورد، توجیهی برای ادامه دادن به نبردها نخواهد داشت.**

■ **تفاوت اوضاع نسبت به دورهٔ گذشته**

وضعیت بین‌المللی و داخلی برای نتانیا‌هو جهت اجرای عملیات جدید متفاوت شده و برخلاف برخی برداشت‌ها که ناشی از روی کار آمدن ترامپ بود، کلیت شرایط برای نخست‌وزیر رژیم رو به وخامت رفته است.

۱ **برخلاف دوره قبل فشار بین‌المللی بیشتر شده و شکل دولتی و اتلادفی پیدا کرده است.**
نه تنها مردم، بلکه دولت‌ها به صف مخالفت و اعمال فشار پیوسته و حداقل در اروپا و اتحادیه اروپایی، ززم به‌هایی از حرکت‌های مشترک شنیده می‌شود.

در همین راستا همکاری‌های مشترکی میان دولت‌های عربی و اروپایی برای پررنگ‌تر کردن راهکار دودولتی در سازمان ملل و جامعه بین‌المللی در دست اجراست.

۲ **دوره قبلی جنگ برای صهیونیست‌ها متضمن استفاده از فضای انتخابات ریاست جمهوری در آمریکا بود که می‌توانست قدرت مانور آن‌ها در این کشور را بیشتر کند.**
در آن دوره بایدن و ترامپ برای جلب توجه صهیونیست‌ها تلاش می‌کردند و در شرایطی که گمان می‌رفت ترامپ برای نتانیا‌هو گزینه بهتری است، دموکرات‌ها در ماه‌های منتهی به انتخابات بر حمایت‌های خود برای تغییر این وضعیت افزودند.

در حال حاضر فضای انتخاباتی وجود ندارد و همچنین آشکار شده که ترامپ علی‌رغم مزیت‌هایی که برای صهیونیست‌ها دارد، تهدید نیز به شمار می‌رود.

۳ **در روزهای اخیر کسانی مانند «یائیر گولان»، رهبر حزب دموکرات رژیم صهیونیستی، «ایهود اولمرت» و «ایهود باراک» در آن نخست‌وزیران اسبق این رژیم بر میزان انتقادهای خود از نتانیا‌هو افزودند.**
گولان، ارتش رژیم را به نسل‌کشی و قتل شیرخوارگان و اولمرت این نیرو را به ارتکاب جنایات جنگی‌تهمن کردند. اولمرت همچنین از دولت‌های خارجی خواست برای سرنگونی نتانیا‌هو با جناح‌های داخلی همکاری کنند. باراک نیز بر تشدید ناقرمانی مدنی برای اختلال در جامعه و اقتصاد برای سرنگونی دولت تأکید کرد.

■ **اوضاع غزه چگونه است؟**

۱ **نظامی**

از نظر نظامی گروه‌های مقاومت در مرحله نخست عملیات ارابه‌های گیدعون متناسب با آن به فعالیت پرداختند. در مرحله اول، تمرکز بر حملات هوایی بود و از این رو گروه‌های مقاومت دست به حملات راکتی علیه شهرک‌های صهیونیست‌نشین اطراف غزه زدند. با شروع آمادسازی‌ها برای اجرای فاز دوم و حمله زمینی، مقاومت نیز بر تعداد کمین‌ها و عملیات‌های خود افزود. اجرای چنین عملیات‌هایی نقش مهمی در افزایش تردیدهای داخلی نسبت به ورود مجدد زمینی به غزه داشت؛ به گونه‌ای که بسیاری با استناد به عملیات‌های اخیر مقاومت تأکید کردند تهاجم جدید صهیونیست‌ها شامل تلفات زیادی در صفوف نظامیان رژیم خواهد بود.

۲ **انسانی**

از نظر انسانی به نظر می‌رسد وخامت اوضاع در غزه بیشتر از هر زمان دیگری است. صهیونیست‌ها با اتمام بانک اهداف نظامی، بی‌مهاباتر از گذشته دست به کشتار غیرنظامیان به منظور حذف افراد و خانواده‌های می‌زند اما دلیل مخاطرات، نسبت به بروز افزایش تلفات محتاط‌تر شده‌اند. به عبارتی دیگر، صهیونیست‌ها از نظر توجیهی، راحت‌تر به غیرنظامیان شلیک می‌کنند اما میزان تلفات کُلی، فاصله قابل توجهی با گذشته ندارد. صهیونیست‌ها برای اعمال فشار بر مردم و نابودی زندگی روزمرشان در اقدام رادر دستورکار قرار داده‌اند؛ نخست تشدید گرسنگی و تلاش برای ایجاد قحطی و دوم کشتار عریان تر غیرنظامیان؛ به‌منظور ایجاد فضای شدیدتری از ترس. تا پایان سال ۲۰۲۳، طی ۱۵ جنگ تعداد شهدهای غزه به ۴۶ هزار نفر رسید که میانگین ماهانه ۳ هزار نفر را نشان می‌دهد. از اوایل سال تا به امروز، تعداد شهدا ۷ هزار نفر افزایش داشته است. میانگین تعداد شهدهای ۵ ماه اخیر، ماهانه ۱۴۰ نفر است که نصف میانگین ۱۵ ماه ابتدایی جنگ است. دشمن در درصد جبران این عقب‌ماندگی در کشتار و به وسیله سیاست ایجاد قحطی در غزه است تا بتواند بدون شلیک گلوله و به سرعت، بخش بزرگ دیگری از جمعیت این منطقه را نابود کند.

۳ **سیاسی**

دولت‌های عربی و اروپایی با فشارهای خود خواهان تقویت نقش تشکیلات خودگردان در قضیه فلسطین و تسری نواحی حکومتی آن به غزه هستند. تشکیلات خودگردان نیز با انجام برخی تحرکات مانند کمک به صهیونیست‌ها در سرکوب گروه‌های مقاومت در کرانه و همچنین تشدید جنگ لفظی با گروه‌های مقاومتی درصدد اثبات خود به تل آویو برآمده‌اند.
باین وجود تشدید عملیات صهیونیست‌ها در غزه زمینه‌ای برای بازیگری تشکیلات خودگردان و متحدانش باقی نگذاشته است.

■ **مبارزه با دولت پنهان**

پس از برکناری مایک والترز از شورای امنیت ملی، ترامپ، مارکو رویو را به ریاست این سازمان منصوب کرد. شورای امنیت ملی آمریکا یکی از مهم‌ترین نهادهای این کشور محسوب می‌شود. این سازمان به مسائل مربوط به امنیت ملی و سیاست خارجی ایالات متحده رسیدگی می‌کند.

ترامپ با در اختیار گذاشتن این سازمان به یکی از افراد نزدیک و وفادار خود و کوچک‌کردن این سازمان قصد دارد اختیارات این سازمان را به وزارت امور خارجه و وزارت دفاع منتقل کند.

دونالد ترامپ با‌رها ادعا کرده بود افرادی که از کار اخراج کند. روندی که ترامپ در مبارزه با دولت عمیق در پیش گرفته به احتمال زیاد یکی از بزرگ‌ترین تسویه حساب‌های حکومتی در تاریخ ایالات متحده است. باید دید آیا پس از این اخراج‌ها دولت ترامپ آن‌گونه که برنامه‌ریزی کرده می‌تواند برنامه‌های خود را به پیش ببرد یا نه؟

مبارزه با دولت عمیق فقط مربوط به شورای امنیت ملی نیست؛ بلکه ترامپ قصد دارد کل ساختار دولت فدرال را کوچک کند. او در نظر دارد که دو میلیون کارمند فدرال را از کار اخراج کند. روندی که ترامپ در مبارزه با دولت عمیق در پیش گرفته به احتمال زیاد یکی از بزرگ‌ترین تسویه حساب‌های حکومتی در تاریخ ایالات متحده است. باید دید آیا پس از این اخراج‌ها دولت ترامپ آن‌گونه که برنامه‌ریزی کرده می‌تواند برنامه‌های خود را به پیش ببرد یا نه؟